



افغانستان؛ احیای جنگ فراموش شده

«سقوط یک فروند هواپیمای انگلیسی در افغانستان، به مسوولیت گرفتن سقوط این هواپیما از سوی طالبان، ادامه درگیری‌ها میان نیروهای ناتو و اعضای طالبان، فاش شدن گفت‌وگوهای سری طالبان و ناتو در افغانستان، افزایش تولید مواد مخدر در افغانستان به بالاترین حد خود یعنی ۹۲ درصد از تولیدات جهانی، همه این گزارش‌ها و اخبار تنها حکایت از یک چیز دارد و آن این است که جنگ و جدال‌ها و بحران‌های افغانستان که در پس‌گرد و غبارها، جنگ‌ها و قمارهای سیاسی دیگر آمریکا کمرنگ شده بود، بار دیگر پررنگ شده است تا دامنه وسعت اشتباهات فاحش سیاست‌های آمریکا را به جهان نمایان کند.»

به گزارش ایسنا سامی القمحاوی، تحلیلگر روزنامه الاهرام مصر با ارایه تحلیلی تحت عنوان «افغانستان، جنگ سیاست‌های جنگی آمریکا قرار گرفت؛ می‌گردد» می‌نویسد: «متاسفانه افغانستان یکی از قربانیان قمارهای سیاسی آمریکاست. این کشور از جمله کشورهایی است که در چارچوب سیاست‌های جنگی آمریکا قرار گرفت؛ جنگ‌هایی که بدون هیچ برنامه‌ریزی و بر اساس اعتقادات و سیاست‌های ناشیانه آغاز می‌شوند و بدون هیچ برنامه‌ریزی نیز متوقف می‌شوند. این کشور بهای بسیاری از اشتباهات آمریکا در زمینه جنگ با تروریسم جهانی را پرداخت. افغانستان هم چنان در شرایط سخت امنیتی به سر می‌برد و وضعیت آن بی‌شبهت به وضعیت پر هرج و مرج و خطرناک عراق نیست. به رغم آنکه

آمریکا موفقیت نظامی خود در افغانستان را اعلام کرده است اما این کشور هم چنان در وضعیت بحرانی و جنگ‌های مسلحانه به سر می‌برد و در امنیت و ثبات این کشور هیچ تغییر و تحولی ایجاد نشده است.»

تحلیلگر الاهرام در ادامه می‌آورد: «طبیعت حاکم در افغانستان یکی از عوامل اصلی سر پوش گذاشتن بر بسیاری از شکست‌های آمریکا در این کشور است زیرا طبیعت سخت موجود در افغانستان کار اطلاع‌رسانی و پوشش خبری بسیاری از تغییر و تحولات در این کشور را با مشکل و کندی مواجه ساخته است و همین امر باعث شده است که آمریکا از وضعیت موجود به سود خود استفاده کند و تغییر و تحولات موجود در افغانستان را به سود منافع‌اش اطلاع‌رسانی کند. با کمی دقت و دنبال کردن دقیق گزارش‌ها و اخبار واصله از افغانستان می‌بینیم که جبهه جنگ و درگیری در این کشور نه تنها آرام نشده است بلکه درگیری‌های گروه‌ها و نیروهای ناتو روز به روز در حال افزایش است و از زمانی که ناتو مسوولیت امنیتی شش ولایت جنوبی افغانستان را بر عهده گرفته است، این درگیری‌ها به اوج خود رسیده است و خسارت‌های نیروهای ناتو در این درگیری‌ها نسبت به چند سال گذشته بسیار شدید بوده است.»

قمحاوی می‌نویسد: «به رغم آنکه آمریکا تاکنون موفق شده است از شرایط موجود در افغانستان به سود منافع خود استفاده کند اما بحران‌های افغانستان و اشتباهات مهلک آمریکا در این کشور به میزانی گسترش یافته است که اخبار

مربوط به آن دیگر از کسی پوشیده نیست و اخیراً صدای بسیاری از کشورهای اروپایی عضو ناتو در اعتراض به وضعیت موجود در افغانستان بلند شده است. بسیاری از این کشورها اظهار داشته‌اند که نیروهای ناتو در جنوب افغانستان تاوان اشتباهات آمریکا در این کشور را می‌دهند. دردرگیری‌های نیروه‌ای ناتو و طالبان در مناطق جنوبی افغانستان یعنی مرکز اصلی فعالیت طالبان تاکنون بسیاری از سربازان ناتو کشته و زخمی شده‌اند و بر اساس گزارش‌های رسیده ۳۱ تن از نیروهای

کانادایی مستقر در جنوب افغانستان تاکنون در درگیری‌های موجود کشته شده‌اند و تعداد تلفات نیروهای انگلیسی در درگیری با طالبان تاکنون به ۳۶ تن رسیده است و آخرین نتیجه این درگیری‌ها سقوط یک فروند هواپیمای انگلیسی با ۱۴ سرنشین نظامی بوده است که طالبان مسوولیت سقوط این هواپیما را به عهده گرفت.»

تحلیلگر الاهرام می‌آورد: «با توجه به آنکه اعزام نیروهای ناتو به افغانستان به عنوان اولین ماموریت امنیتی این سازمان در خارج از اروپا محسوب



می‌شود بسیاری از کشورهای اروپایی بیم آن دارند که شکست این ماموریت در افغانستان منجر به تضعیف چهره ناتو در جهان و بر جای گذاشتن تأثیرات منفی بر آینده این سازمان شود.

«فشارهای موجود درافغانستان به میزانی رسیده است که برخی از مسولان غربی در اواخر آگوست گذشته از وجود برخی تلاش‌های مسولان ناتو برای انجام گفت‌وگو با رهبران طالبان خبر دادند. این مسولان غربی اظهار داشته‌اند که فرماندهان نظامی ناتو در افغانستان در

تلاش برای برقراری آتش‌بس با گروه طالبان هستند، آتش‌بسی که در نهایت منجر به برقراری آشتی گروه جنگ طلب طالبان با حکومت کابل شود. به رغم تلاش‌های گسترده ناتو برای متوقف کردن دایره درگیریها و کاهش تلفات خود در افغانستان این درگیریها همچنان ادامه دارد و اخیراً ملا دادالله، سخنگوی نظامی طالبان اعلام کرده است که طالبان حاضر به انجام هیچ گونه گفت‌وگویی با نیروهای ناتو نیست و این گونه اخبار تنها یک جنگ روانی برای سرپوش گذاشتن بر شکستها و تلفات اروپا و آمریکا در افغانستان است.»

قمحاوی می‌نویسد: «بحران‌ها و هرج و مرج‌های افغانستان تنها به درگیری‌های نظامی نیروهای ناتو و حکومت افغانستان با گروه طالبان ختم نمی‌شود بلکه بحران‌های این کشور که مطمئناً میزان شکست آمریکا در این کشور را بیان می‌کند شامل بحران‌های دیگری نیز هست که در راس این بحران‌ها موضوع گسترش فعالیت‌های قاچاقچیان مواد مخدر در این کشور است. بر اساس آخرین گزارش دفتر مبارزه با مواد مخدر وایسته به سازمان ملل کاشت افیون در افغانستان امسال نسبت به سال گذشته ۵۰ درصد افزایش یافته است و ۹۲ درصد از تولید مواد مخدر جهان را تأمین کرده است که عمده‌ترین محصول این مواد هروئین می‌باشد. در این گزارش آمده است که وضعیت سیاسی نظامی و اقتصادی موجود در افغانستان که دستاورد فعالیت‌های ناتو و آمریکا در این کشور است به صورت مستقیمی بر موضوع افزایش فعالیت‌های قاچاقچیان

غیر متعهد‌ها و تلاش برای فعالیت بیشتر

یک دوره سه ساله ریاست این سازمان را بر عهده دارد.

تاکنون یوگسلاوی سابق (دو بار)، مصر، زامبیا، الجزایر، سرلانکا، کوبا، هند، زیمبابوه، اندونزی، کلمبیا، آفریقای جنوبی و مالزی، میزبانی ۱۳ دوره این جنبش را بر عهده داشتند.

در اجلاس قبلی سران عدم تعهد که در مالزی برگزار شد، سران ۱۱۴ کشور عضو جنبش غیرمتعهد در فوریه سال ۲۰۰۳ در کوالالامپور پایتخت مالزی گرد آمدند تا درباره چالش‌های فرآوری کشورهای در حال توسعه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا، تهاجم نظامی به افغانستان، تروریسم بین‌الملل و تحول در دنیای فناوری ارتباطات – اطلاعات به بحث و تبادل نظر بپردازند.

در این نشست بود که ضرورت فعال‌شدن هرچه بیشتر جنبش غیرمتعهد مورد تأکید قرار گرفت و سران کشورها در بیانیه پایانی نشست سیزدهم بر احیاسازی این سازمان پافشاری کردند.

در حالی که آمریکا با اعمال سیاست یک‌جانبه‌گرایی دادعیه حمله نظامی به عراق را در سر پروردادن و این موضوع پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله به افغانستان، دغدغه اصلی شرکت‌کنندگان در نشست کوالالامپور بود، اعضا بر تلاش برای برقراری یک نظام جهانی صلح‌آمیز، کامیاب، عادلانه‌تر و برابرتر تأکید ورزیدند.

بیانیه نهایی نشست سیزدهم، نقش فعال جنبش درموضوعاتی چون استعمارزدایی، آپارتاید، اوضاع در فلسطین و خاورمیانه، خلع سلاح، ریشه‌کنی فقر و توسعه اجتماعی و اقتصادی در طول حیات بیش از ۴۰ساله خودرا موردتوجه‌قرار داده و چالش‌های جدید فرارو را برشمرده است. استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات بعنوان یک ابزار عمومی و جمعی که تمامی کشورها باید از آن برخوردار باشند، مورد توجه نشست سیزدهم سران تم در کوالالامپور قرار گرفت.



کشورهای مختلف تشکیل شد و آخرین آن، اجلاس جاکارتا بود که از ۲۲تا ۲۵آوریل ۲۰۰۵ با شرکت ۱۰۲کشور آسیایی – آفریقای تشکیل شد. هدف جنبش غیر متعهدا براساس بیانیه پایانی نشست سران این جنبش در سال ۱۹۷۹ در هاوانا پایتخت کوبا «استقلال ملی، حاکمیت تمامیت ارضی و امنیت کشورهای غیرمتعهد در تلاش علیه امپریالیسم، استعمار، استعمارنو، آپارتاید، نژادپرستی شامل رژیم صهیونیست و هرگونه تجاوخارجی، اشغال، سلطه، دخالت با استیلا و همچنین علیه قدرتهای بزرگ و بلوکهای سیاسی» تعریف شده است.

پنج خط مشی و اصل مبنایی برای جنبش غیرمتعهدها و کشورهای عضو عنوان شده که، احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت یکدیگر، عدم تجاوز به یکدیگر، عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، برابری و منافع متقابل و همزیستی مسالمت آمیز است. این خط مشی ها را تشکیل می دهد. جنبش غیرمتعهدها اینک در پایان سیزدهمین دوره خود، همچنان با چالش‌هایی روبرو است که مهم‌ترین آن تأثیرگذاری بر اقدامات یکجانبه‌گرایانه آمریکا در مجامع بین‌المللی است.

اجلاس جنبش غیرمتعهدها هر سه سال یک بار برگزار می‌شود و کشور میزبان برای

این دو قدرت در این فرایند با فروش سلاح‌های متعارف به کشورهای تازه استقلال یافته آسیا و آفریقا به ایجاد بحران در سطح منطقه‌ای و جهانی دامن می‌زند، بدون آنکه دو ابرقدرت شوروی و آمریکا با یکدیگر درگیر شوند.

با توجه به اینکه کشورهای ابرقدرت درصدد بحران آفرینی در کشورهای جهان سوم بودند، بعضی از رهبران این کشورها همچون «نهر» و نخست‌وزیر وقت هند، «سوکارنو» رئیس جمهوری وقت اندونزی و جمال‌عبدالناصر رئیس جمهوری وقت مصر که از رهبران شاخص آفریقای – آسیایی بودند، مصمم به تاسیس جنبش غیر متعهدها شدند.

در اجلاسیه‌ای که از ۱۷ تا ۲۴آوریل سال ۱۹۵۵ در باندونگ اندونزی برگزار شد، و نهر، و سوکارنو و جمال عبدالناصر به اتفاق رهبران آن زمان ۲۹ کشور دیگر آسیایی و آفریقای برای رهایی از فشارهای سیاسی غرب و شرق جنبش عدم تعهد را بنا نهادند. پشتیبانی از کلیه مکانیسم‌های مبارزه با استعمار در آسیا و آفریقا، و مبارزه با دسته‌بندی‌های سیاسی نظام که بالقوه‌باعث تشنج و بحران در روابط بین‌المللی می‌شود از اهداف اصلی پایه‌گذاری جنبش غیر متعهدها اعلام شد.

بعداذ کنفرانس عالی باندونگ سیزده‌اجلاسیه کشورهای غیرمتعهد در



تهاجم به سفارت آمریکا در دمشق

دست‌های پنهان برای تضعیف سوریه

مشکل از عربستان سعودی، مصر و اردن ب: محاصره از سوی ایالات متحده آمریکا و برخی کشورهای غربی همانند فرانسه و انگلستان

برگزاری این اجلاس درشرایط حساس کنونی منطقه خاورمیانه و جهان و تأثیرات فراوان کشورهای عضو این جنبش در تحولات منطقه‌ای و جهانی و همچنین فشار فراوان آمریکا و برخی کشورها اروپایی به جمهوری اسلامی ایران برای ممانعت از برخورداری از حق استفاده ازفرآوری صلح‌آمیز هسته‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به گزارش ایرنا جنبش غیرمتعهد یا «نم»(Non-Aligned Movement) یک سازمان بین‌المللی متشکل از ۱۱۴کشور عضو است که در سپتامبر ۱۹۶۱ پس از یک روند چند ساله در بلگراد پایتخت یوگسلاوی سابق بطور رسمی شکل گرفت.

کشورهای عضو جنبش غیرمتعهد را کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهند که در طول تاریخ همواره مورد تعرض‌های مختلف استعمار نو، امپریالیسم، تبعیض نژادی و تجاوز بیگانگان قرار داشتند. حدود ۶۰درصد جمعیت جهان را کشورهای عضو جنبش غیرمتعهدها تشکیل می‌دهند و بیش از دو سوم اعضای سازمان ملل متحد نیز عضو این جنبش هستند.

جمهوری اسلامی ایران درسال ۱۳۵۸و بدنبال پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان هشتاد و هشتمین کشور عضو به جمع اعضای جنبش غیر متعهدا پیوست. فکر ایجاد این جنبش در پی آن عملی شد که پدیده‌ای به نام جنگ سرد در عرصه سیاست بین‌الملل و روابط جهانی خود را نشان داد.

در پی جنگ سرد بین دو بلوک شرق و غرب یک مسابقه تسلیحاتی به منظور ایجاد «توازن وحشت» در زمینه تسلیحات پیشرفته نظامی آغاز شد که در نهایت دو بلوک را به مرحله «توازن قدرت» رسانید و از آن پس آنها در مسیر یک «صلح خصمانه» قرار گرفتند.

نکته‌ای که باید به طور موکد بر آن تمرکز کرد این است که سازمان القاعده در میان سازمان‌هایی که ممکن است تهاجم به سفارت آمریکا دست داشته باشند، نیست زیرا سوریه در جدول کاری سازمان القاعده جای ندارد و در پیام تلویزیونی اخیر ایمن ظواهری مرد شماره دو القاعده تهدیدهایی متوجه اردن، سوریه، مصر و کشورهای خلیج فارس شده ولی نه تنها یک انتقاد از سوریه نشده بلکه در برخی از مفاد پیام سوریه مورد تأیید قرار گرفته است.

خصوصاً آنجا که در مورد شدید بودن قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت با موضع سوریه هماهنگ شده و خواستار عدم پایبندی به اجرای آن شده است. افزون بر آن باید گفت که مهاجمان به سفارت آمریکا در دمشق در مقام مقایسه با مجریان القاعده در تهاجم به سفارت مصر در اسلام آباد در سال ۱۹۹۶ و دو سفارت آمریکا در نایروبی و دارالسلام سال ۱۹۹۸ بسیار غیرحرفه‌ای به نظر رسیدند.

منبع: **القدس العربی چاپ انگلستان.**

نه شرح و تفسیر

درباره حزب کمونیست

در قسمتی از این کره خاکی ، انسانهایی که در راه معنویت و سالم زیستن کوشش می کنند، توسط حزبی کمونیستی که در بدن خود انکار خداوند، انکار روز جزا و ریشه کن کردن مذاهب و اعتقادات راستین دارد، به روش‌های وحشیانه‌ای مورد آزار و شکنجه قرار می گیرند. چیزی که شاید از طریق رسانه‌ها کمتر خیر صحیحی در خصوص آن ارائه شده باشد. در مقطع کنونی «فالون دافا» و «فالون گونگ» روش‌هایی هستند که شدیداً از سوی چین سرکوب می شوند. فالون گونگ روشی برای تزکیه و افزایش سلامت جسم و روح معرفی شده است. در ابتدای معرفی فالون گونگ در چین، بسیاری از مردم آن را نوعی از ورزش های معمول

چینی با خاصیت خارق العاده در سلامت و تندرستی می دانستند. اما بعدها متوجه شدند این روش ، آموزش مردم بر پایه سه اصل ، حقیقت ، نیک خواهی و بردباری برای بهتر شدن است. فالون گونگ در دهه ۹۰ به سرعت در چین رواج یافت و یک سوم جمعیت ۶۰ میلیونی اعضای حزب کمونیست این کشور به فالون گونگ روی آوردند. دیری نپایید که تنورسین‌های کمونیست نسبت به افزایش محبوبیت آن اظهار نارضایتی کردند. دگراندیشان جدید حزب کمونیست چین نمی توانستند این واقعیت را بپذیرند که با وجود بیش از ۴۰ سال عصر بی اعتقادی مارکسیستی مردم، حتی اعضای حزب کمونیست نیز در روش‌های دیگری در جستجوی ارشادات روحی و اخلاقی هستند. سرانجام در سال ۱۹۹۹ یعنی ۷ سال پس از معرفی فالون گونگ این روش از سوی حزب کمونیست چین و به دستور جیانگ زمین رئیس جمهوری وقت ممنوع اعلام شد و سرکوب و مبارزه علیه فالون گونگ آغاز گشت. در این مدت حدود

معرفی کتاب

نه شرح و تفسیر در باره حزب کمونیست

۳۰۰۰ نفر بر اثر شکنجه جان خود را از دست دادند و هزاران نفر دیگر مورد شکنجه و آزار قرار گرفتند و از زمان سرکوب این روش، تمرین کنندگان فالون گونگ با انواع و اقسام روش‌های مسالمت‌آمیز سعی در توقف و پایان دادن به این سرکوب و کمک به مردم در درک وضعیت واقعی این روش داشته‌اند.

اما اینکه چرا فالون گونگ که در ۶۰ کشور مورد استفاده قرار گرفته است، از سوی حزب کمونیست به این شدت سرکوب می‌شود سوآلی که ممکن است برای بسیاری مطرح شود. برای پاسخ به این پرسش لازم است نگاهی جامع به تاریخچه و ماهیت حزب کمونیست چین بیابان‌دیم. در همین راستا نشریه «ارپک تایمز» سری مقالاتی تحت عنوان «نه شرح و تفسیر درباره حزب کمونیست» منتشر کرده است که به تشریح تاریخچه و ماهیت این حزب می‌پردازد. این کتاب از سوی انتشارات ابتکار دانش به فارسی ترجمه شده و در دسترس همگان قرار گرفته است.